

## اثر بانک‌های اسلامی بر رشد تولید ناخالص داخلی: شواهدی از کشورهای اسلامی منتخب

حدیث دالوندی<sup>\*۱</sup>  
داود جعفری سرشت<sup>۲</sup>  
محسن خضری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸

### چکیده

بخش بانکی به عنوان یکی از مهمترین ارکان بخش مالی به شمار می‌رود. در این مطالعه ضمن بیان چارچوب نظری مربوط به رابطه بین بانکداری اسلامی و رشد تولید ناخالص داخلی، اثر وام‌های بانکداری اسلامی بر رشد تولید ناخالص داخلی ۲۰ کشور اسلامی منتخب برای دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۷ ارزیابی و از مدل خودرگرسیون برداری پانل به منظور بررسی اثر متغیرهای کل فعالیت بانکداری، فعالیت بانکداری اسلامی، نرخ تورم، مخارج مصرفی دولت، باز بودن تجاری و کیفیت نهادی بر رشد تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه‌ی بین فعالیت بانکداری اسلامی و رشد تولید ناخالص داخلی مثبت و معنی‌دار است. همچنین، اثر نرخ تورم، کیفیت نهادی و باز بودن تجاری بر رشد تولید ناخالص داخلی مثبت و معنی‌دار و اثر مخارج دولتی و کل فعالیت بانکداری بر رشد تولید ناخالص داخلی منفی می‌باشد. بنابراین، کشورهای با سیاست‌های کلان اقتصادی و نهادی سالم (مخارج دولتی محتاطانه، چهارچوب‌های نظارتی خوب، کیفیت نهادی بالا) رشد GDP بالاتری دارند.

**واژگان کلیدی:** بانک‌های اسلامی؛ رشد تولید ناخالص داخلی؛ کشورهای اسلامی؛ مدل PVAR.

**طبقه‌بندی JEL:** G21; E44; C23

\*<sup>۱</sup> کارشناس ارشد داری اسلامی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، نویسنده مسئول، پست الکترونیکی:

hdalvandi1@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، پست الکترونیکی:

djafariseresht@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، پست الکترونیکی:

Mohsen.khezri1364@gmail.com

## ۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، مطالعات بسیاری رابطه بین بخش مالی و اقتصاد واقعی را بررسی کرده‌اند. بر این اساس دو دیدگاه مطرح شده است: یک دیدگاه اثر مثبت بانکداری و توسعه بازار مالی بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد، در حالیکه دیدگاه دیگر اثر منفی آن را بیان می‌کند. برای اولین بار مکتب سرکوب مالی<sup>۱</sup> (مک کینون<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳؛ شاو<sup>۳</sup>، ۱۹۷۳) و مکتب آزادی اقتصادی<sup>۴</sup> (مکتب اقتصادی کلاسیک) رابطه‌ی توسعه مالی و رشد اقتصادی را بررسی کرده و نشان دادند که سیستم مالی مبتنی بر انباشت سرمایه و تحرک سرمایه‌گذاری منجر به رشد اقتصادی می‌شود. با این حال، مطالعات دیگری دریافته‌اند که توسعه و تحرک سیستم‌های مالی، مخصوصاً بخش بانکی، به دلیل باز بودنشان می‌توانند باعث بی‌ثباتی مالی و بحران‌های بانکی شوند که احتمالاً به کاهش رشد اقتصادی منجر خواهد شد. به طور خلاصه، توسعه مالی در محیط اقتصاد کلان با ثبات و پایدار که در آن آزادسازی مالی روندی تدریجی دارد و بانک‌ها تحت نظارت دقیق قرار دارند، به رشد اقتصادی و کاهش فقر کمک خواهد کرد (اگو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰).

بیشتر تحقیقاتی که رابطه بین توسعه بانکداری و رشد اقتصادی را بررسی می‌کنند، براساس نمونه‌هایی از کشورهای توسعه یافته با سیستم‌های بانکداری و بازارهای مالی است که در مقایسه با کشورهای در حال توسعه با عدم تقارن اطلاعات کمتر، هزینه‌های معاملاتی پایین‌تر مقررات بانکی مشخص می‌شوند. همچنین نتایج این مطالعات در مورد بررسی اثر توسعه مالی بر رشد برای سیستم‌هایی که در آن‌ها بانک‌های اسلامی نقش مهمی دارند معتبر است یا خیر مشخص نیست. برخی از مطالعات رابطه بین مالیه اسلامی و رشد اقتصادی را نشان می‌دهند و نقش بانک‌های اسلامی در تجهیز پس‌انداز برای تحرک رشد اقتصادی را تایید می‌کنند (بنس و کومهوف<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲؛ ولف<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴).

در واقع، بحران اقتصادی که منجر به بحران وام‌های رهنی خرید مسکن شد، با آشفتگی اجتماعی و افزایش دیدگاه‌های افراطی همراه بود. این بحران باعث شد که جامعه مالی بین‌الملل

<sup>1</sup> Financial Repression School

<sup>2</sup> McKinnon

<sup>3</sup> Shaw

<sup>4</sup> Liberal School

<sup>5</sup> Eggoh

<sup>6</sup> Benes and Kulhof

<sup>7</sup> Wolf

تلاش‌های خود را برای بازسازی ساختاری مالی بین الملل مبتنی بر اصول اخلاقی همانند مالیه اسلامی افزایش دهد تا بتواند تجارت با ثبات را در یک محیط چالش برانگیز تضمین کند.

پنج اصل مالیه اسلامی عبارتند از: ۱- ممنوعیت ربا<sup>۱</sup> (بهره) ۲- ممنوعیت غرر<sup>۲</sup> (فریب یا معاملات پرخطر) و قمار<sup>۳</sup> (اکتساب ثروت از طریق شانس) ۳- اصرار بر اینکه تمام منابع مالی با دارایی‌های ملموس پشتیبانی شوند. ۴- محدودیت سرمایه‌گذاری به فعالیت‌های حلال و ۵- تقسیم سود و زیان. بحران وام‌های رهنی نشان داد با توجه به نقاط ضعف بسیاری که در تامین مالی متعارف وجود دارد، نقش مالیه اسلامی در تنظیم اقتصاد جهانی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد (آروری و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). در واقع، بانک‌های اسلامی به دلیل اصل ممنوعیت بهره کمتر تحت تاثیر قرار گرفته بودند، زیرا قانون شریعت آن‌ها را از مشارکت در تجارت سوداگرانه منع کرده بود. عوامل دیگری مانند چگونگی تامین سرمایه بر اساس دارایی‌های واقعی و اعتماد مشتریان در بانک‌های اسلامی به منظور توضیح انعطاف‌پذیری این بانک‌ها در یک بحران مالی می‌تواند ذکر شوند (بن‌خدیری و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵).

هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی رابطه بین توسعه‌ی بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های پانل کشورهای اسلامی منتخب است. بسیاری از نویسندگان یا از این روش برای بررسی رابطه بین بانک‌های متعارف و رشد اقتصادی استفاده کرده‌اند (بک و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳؛ دمیرگوج و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳؛ لوین و زرووس<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸؛ بک و لوین<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴) و یا آن را در حالت تک کشوری مورد بررسی قرار داده‌اند (فرقانی و مولیانی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۹) برای مالزی، عبده و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۲) برای اندونزی، تابش و دانکر<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۴) برای قطر؛ با این وجود، مطالعات بسیار کمی این روش برآوردی را برای بررسی رابطه بین توسعه‌ی

<sup>1</sup> Riba

<sup>2</sup> Gharar

<sup>3</sup> Maysir

<sup>4</sup> Arouri et al.

<sup>5</sup> Ben Khedhiri et al.

<sup>6</sup> Beck et al.

<sup>7</sup> Demirguc et al.

<sup>8</sup> Levine and Zervos

<sup>9</sup> Beck and Levine

<sup>10</sup> Furqani and Mulyani

<sup>11</sup> Abduh et al.

<sup>12</sup> Tabash and Dhankar

بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی به کار گرفته‌اند (امام و کاپودار<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶)، مسئله‌ای که هدف اصلی مطالعه حاضر است.

مقاله حاضر در پنج بخش تنظیم شده است، در بخش دوم مبانی نظری مورد بررسی قرار گرفته است؛ در بخش سوم پیشینه تحقیق ارائه شده است؛ در بخش چهارم تجزیه و تحلیل نتایج ارائه شده است و در بخش پنجم نتایج مقاله ارائه شده است.

## ۲. مبانی نظری

برای پاسخ به این‌که آیا توسعه‌ی بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی تاثیر مثبتی دارد یا خیر و یا اینکه در افزایش رشد، بانک‌های اسلامی از بانک‌های متعارف کارآتر هستند یا خیر، باید ویژگی‌های متمایز بانکداری اسلامی که به افزایش رشد اقتصادی کمک می‌کند، بررسی شود. بنابراین مطالعه امام و کاپودار (۲۰۱۶) ویژگی‌های بانکداری اسلامی که بر رشد اقتصادی تاثیر می‌گذارد، عبارتند از:

### ۲-۱. تشویق وام‌دهی (به افراد بدون دارایی)

بانک‌های متعارف در عمل، بر اساس نوعی ضمانت/ وثیقه وام می‌دهند. خصوصیت تقسیم ریسک بانکداری اسلامی به این معنی است که وام‌گیرندگان و بانک، ریسک هر گونه سرمایه‌گذاری را بر حسب توافق انجام شده، تسهیم کرده و سود یا زیان حاصل را بین خودشان بدون هیچ ضمانتی تقسیم می‌کنند. تقسیم ریسک باعث می‌شود که ارائه‌دهندگان سرمایه مالی و کارفرمایان، ریسک‌های تجاری را برای کسب سود بین خودشان تقسیم کنند که این نشان می‌دهد مسئولیت وام‌گیرندگان در بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های متعارف در حالت مشروط قرار دارد. از طریق ممنوعیت ربا (نرخ بهره) انگیزه‌های وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان هم‌تراز می‌شود. بنابراین، مخاطرات اخلاقی کاهش می‌یابد. در نهایت این موضوع، سرمایه‌گذاری بیشتر را- به ویژه توسط افرادی که نمی‌توانند به دلیل نداشتن دارایی برای قرار دادن آن به عنوان وثیقه/ ضمانت وام بگیرند- تشویق می‌کند و در نتیجه، منجر به رشد می‌شود. در عین حال، این امر به سرمایه‌گذاری

<sup>1</sup> Imam and Kpodar

مستقیم کمک کرده و در نتیجه رشد افزایش می‌یابد و همچنین به عنوان مانع و جاذب شوک برای کشورهای که شوک‌های عظیمی دارند، عمل می‌کند.

## ۲-۲. افزایش پس‌انداز (انباشت سرمایه)

در کشورهای اسلامی، بخش‌های بزرگی از جمعیت مسلمان به خدمات بانکداری مناسب دسترسی ندارند. اغلب مسلمانان تمایل ندارند پس‌انداز خود را در اختیار یک سیستم مالی سنتی قرار دهند که با اصول مذهبی آن‌ها مغایرت دارد. همچنین بنابر ادبیات، عملکرد بهتر سیستم‌های مالی به طور نامتناسبی بر افراد نسبتاً فقیر دارای اثر مثبت است. بنابراین، بانکداری اسلامی می‌تواند پس‌انداز افراد مذهبی را که از استفاده از بانک‌های متعارف و واسطه‌های مالی خودداری می‌کنند، افزایش دهد. این نوع بانکداری، بخش اعظمی از جمعیتی که پس‌انداز خود را به بخش اصلی سیستم مالی منتقل نکرده و به همین دلیل به طور موثر عمل نکرده اند را به پس‌انداز در بخش‌های اصلی سیستم مالی تشویق می‌کند. آورده‌ی مسلمانان به بخش اصلی، با ارائه محصولات مناسب به آن‌ها، دسترسی به مالیه را با توجه به افزایش پس‌انداز افزایش می‌دهد. بنابراین، در بلندمدت منجر به افزایش رشد اقتصادی خواهد شد.

## ۲-۳. ثبات مالی

بیشتر چرخه‌های رونق - رکود در سراسر دنیا در دهه‌های اخیر شاهد وجود عوامل اساسی بودند که آسیب‌پذیری بانکداری متعارف را نشان می‌دهد که به عنوان مثال از این عوامل می‌توان بدهی بالا، عمده‌فروشی و بکارگیری ابزارهای پیچیده را نام برد. در مالیه اسلامی ناهماهنگی ترازنامه وجود ندارد، زیرا بانک‌ها عدم تناسب دارایی - بدهی ندارند. به این دلیل که سپرده‌های کوتاه‌مدت را برای تجارت کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری می‌کنند. در حالیکه، برای سرمایه‌گذاری بلندمدت از سپرده‌های بلندمدت استفاده می‌کنند. همچنین شواهدی مبنی بر سرمایه‌سازی بیشتر بانک‌های اسلامی وجود دارد و این جریان سرمایه با ذخایر نقدینگی بالاتر ترکیب شده است که این موضوع عملکرد بهتر بانک‌های اسلامی را در طول بحران‌های اخیر توضیح می‌دهد. علاوه بر این، در بانکداری اسلامی محصولات مشتقه و دیگر محصولات غیرشفاف ممنوع شده است بنابراین، این منصفانه است که گفته شود بانک‌های اسلامی به عنوان مکملی برای بانک‌های متعارف، احتمالاً به ثبات مالی و افزایش رشد منجر خواهند شد.

## ۲-۴. بانکداری اسلامی به کیفیت نهادهای مدرن کمتر وابسته است

از نظر تئوری اثبات شده است که کیفیت نهادهای مدرن - به طور مثال سیستم‌های قانونی - یک عامل تعیین کننده در توسعه بخش مالی است که نقش کلیدی در رشد دارد. کشورهای اسلامی اغلب سیستم‌های قانونی قوی ندارند و این احتمالاً به این دلیل است که اسلام موسسات مخصوص به خودی را دارد که می‌تواند بدون نیاز به داشتن نهادهای مدرن، تضاد بین بخش‌های مختلف را حل و فصل کند.

## ۲-۵. پروژه‌های مالی که از نظر اخلاقی قابل قبول باشند

بانکداری اسلامی بر نظام اخلاقی اسلام مبتنی است که تنها اجازه دارد دارایی‌هایی که برای جامعه مضر نیست را تامین مالی کند. بانک‌های اسلامی اجازه ندارند که قمار<sup>۱</sup> و سایر فعالیت‌هایی که برای جامعه و بخصوص فقرا مضر هستند را تامین مالی کنند. این جنبه از نظر کیفی محدود شده است اما می‌تواند رشد را با کاهش عوامل خارجی منفی که با پروژه‌های نامطلوب بر جامعه تحمیل می‌شوند، افزایش دهد و فقر را کاهش دهد. بنابراین، اگر احتمال توسعه‌ی بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی بیشتر باشد به این دلیل است که این موضوع برای مسلمانان قابل قبول‌تر است و بنابراین، رشد در این کشورها احتمالاً با سرعت بیشتری نسبت به زمانی که تنها بانکداری متعارف در دسترس است، افزایش می‌یابد.

## ۲-۶. دشواری مدیریت ریسک / ریسک عملیاتی

بانک‌های اسلامی مجاز به استفاده از ابزار مشتقه و سایر محصولات مالی غیرشفاف نیستند که در واقع، این موضوع کاهش و تنوع ریسک را سخت‌تر می‌کند. علاوه بر این، بیشتر بانک‌های اسلامی با تاکید بر عدم تنوع، با توجه به اندازه‌شان، دارای تمرکز بخشی هستند. فقدان استانداردهای درست حسابداری، تسویه و فرآیندهای پرداخت منجر به عدم شفافیتی می‌شود که ممکن است بانک‌ها را پر مخاطره‌تر و ریسکی‌تر کند. این موانع به تدریج باید کمتر شود تا این صنعت در نهایت به تکامل رسیده و در اندازه نیز رشد کند.

<sup>1</sup> Casino

## ۲-۷. عدم صرفه‌جویی به مقیاس

بانک‌های اسلامی اغلب جدیدتر و در نتیجه کوچک‌تر از بانک‌های متعارف هستند. این به این معنی است که آن‌ها اغلب تحت تاثیر مقیاس‌های مطلوب هستند و در نتیجه، ساختارهای هزینه‌ای بالاتری دارند. بنابراین باید انتظار داشت که با ادامه رشد، در طول زمان شرایط نامساعد مقیاس از بین خواهد رفت. به نظر می‌رسد بانکداری اسلامی در مقایسه با بانک‌های متعارف در نمونه سطح کشوری مقرون به صرفه‌تر است. این یافته در کشورهایی که هر دو بانک اسلامی و متعارف را دارا می‌باشند، برعکس می‌باشد. با این حال، بانک‌های متعارفی که در کشورهایی با سهم بازاری بالاتر بانک‌های اسلامی فعالیت می‌کنند، مقرون به صرفه‌تر از بانک‌های اسلامی بوده ولی ناپایدارتر هستند.

## ۲-۸. نداشتن ابزارهای نقد

در مالیه اسلامی، هیچ بازار ثانویه‌ای برای محصولات اسلامی با درآمد ثابت وجود ندارد و بانک‌های اسلامی مجبورند که ذخایر نقدینگی بزرگی داشته باشند. بنابراین، نسبت به بانک‌های متعارف در شرایط نامساعدتری قرار دارند. این به این دلیل است که بانک‌های اسلامی اجازه ندارند در فعالیت‌هایی که بهره در آن‌ها دخالت دارد، شرکت کنند. اما روش کار بانک‌های مرکزی از طریق بازخریدی است که شامل دارایی‌های با بهره نیز می‌شود. موسسه بین‌المللی مدیریت نقدینگی اسلامی<sup>۱</sup> (IILM) در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد که هدف آن ارائه ابزارهای مالی شرعی می‌باشد که راهکارهایی برای کمک به مدیریت نقدینگی موثرتر و کارا تر نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی پیشنهاد می‌دهد.

در نتیجه، بانک‌های اسلامی دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌تواند رشد را افزایش دهد. اما در عین حال، آن‌ها با نداشتن صرفه‌جویی به مقیاس و ابزارهای نقد در شرایط نامساعدی هستند. این نشان می‌دهد که پاسخ به این سوال که آیا بانکداری اسلامی باعث رشد می‌شود یا خیر را باید در شواهد تجربی جستجو کرد. در حالیکه، بسیاری از مطالعات تجربی در مورد تاثیر توسعه مالی بر رشد هستند اما مطالعات کمی در مورد اینکه چگونه توسعه بانکداری اسلامی بر رشد تاثیر می‌گذارد، وجود دارد.

<sup>1</sup> International Islamic Liquidity Management Corporation

در این مطالعه با استفاده از مدل معرفی شده در مطالعه بوخاتم و بن موسی<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) به بررسی اثرات بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی منتخب پرداخته شده و از یک مدل رشد نئوکلاسیک برای اندازه‌گیری مجموع فعالیت بانکداری و بانکداری اسلامی استفاده شده است. همچنین، متغیرهای کنترل شامل نرخ تورم، مخارج مصرفی نهایی دولت و باز بودن تجاری خواهد بود. با استفاده از شاخص‌های نظارتی تاثیر محیط نهادی نیز بررسی خواهد شد. این متغیرها معمولاً در ادبیات رشد اقتصادی کاربرد دارند. بنابراین، شرح و توصیف مختصری از هر متغیر و رشد اقتصادی ارائه خواهد شد.

■ فعالیت سیستم بانکداری: از لحاظ نظری، در مورد نقش توسعه مالی در افزایش رشد اقتصادی اتفاق نظر وجود دارد (بک و لوین، ۲۰۰۴؛ آگو، ۲۰۱۰؛ و غیره). برای این منظور در این پژوهش، از اعتبارات داخلی تمدید یافته به بخش خصوصی توسط بانک‌های تجاری (بر حسب درصد GDP) برای اندازه‌گیری مجموع بخش بانکی (بانک‌های متعارف و اسلامی) استفاده شده است.

■ فعالیت بانکداری اسلامی: اساس نظریه ادبیات ذکر شده در بالا این امکان را خواهد داد که وجود رابطه مثبت بین توسعه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی پیش‌بینی شود. به منظور اندازه‌گیری و سنجش اندازه بانکداری اسلامی بر وام‌های تمدید یافته توسط بانک‌های اسلامی به بخش خصوصی (بر حسب درصد GDP) تمرکز شده است.

■ GDP سرانه: این متغیر به منظور بررسی فرضیه همگرایی معرفی شده است به طوریکه برخی از مفاهیم مدل نئوکلاسیک را مبنی بر اینکه کشورهای قدرتمند با درآمد پایین به رشد سریع‌تر از حد متوسط تمایل دارند و کشورهای توسعه یافته نسبت به حد متوسط به رشد تدریجی تمایل دارند تضمین می‌کند.

■ تورم: نوسانات تورم، یکی از اصلی‌ترین پایه‌های اقتصاد کلان است که تغییرات قیمتی را افزایش می‌دهد و منجر به انحراف اثرات قیمتی می‌شود و در نتیجه، رشد اقتصادی واقعی را کاهش می‌دهد. مطالعات متعددی رابطه منفی بین تورم و رشد را نشان داده‌اند و بیان کرده‌اند که احتمالاً تورم بالا با رشد کمتری همراه است.

<sup>1</sup> Boukhatem and Ben Moussa



■ مخارج مصرفی دولت: سیاست مالی، عنصری کلیدی از سیاست اقتصاد کلان یک کشور است که برای رشد اقتصادی کشور بسیار اهمیت دارد. رابطه بین مخارج دولت و رشد اقتصادی همواره یک سوال اساسی بوده است که عمدتاً در دو حالت مختلف ادبیات نظری رشد مورد بحث است: حالت اول: مخارج دولتی هنگامی که زیربنای سرمایه‌گذاری است می‌تواند رشد را افزایش دهد. حالت دوم: مخارج دولتی اساساً می‌تواند عملکرد اقتصادی را از طریق اثر برون‌رانی<sup>۱</sup> سرمایه‌گذاری خصوصی کاهش دهد.

■ باز بودن تجاری: رابطه نظری بین آزاد سازی تجاری و رشد همواره موضوع بحث و جدل در ادبیات تجارت بین‌المللی بوده است. اکثر مطالعات از این نظر حمایت می‌کنند که باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت دارد. در این راستا، بیشتر کشورهای باز رشد بهره‌وری سریعتری را تجربه کردند، زیرا توانایی بیشتری برای دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرو داشته‌اند. در حالیکه، دیدگاه مخالف بیان می‌کند باز بودن تجاری می‌تواند موجب آسیب پذیرتر شدن کشورها نسبت به شوک‌های خارجی شده و در نتیجه، در بلندمدت رشد پرنوسان‌تر و بی‌ثبات‌تر شود.

■ کیفیت نهادی: واضح است که نهادهای اقتصادی یک کشور بر رشد اقتصادی آن تاثیر خواهند گذاشت. این موضوع با این واقعیت توضیح داده شده است که موسسات بر شیوهی عملکرد کسب و کار و سرمایه‌گذاری خود تاثیر می‌گذارند. محیط‌های کسب و کار که بار قوانین را کاهش و شفافیت و قابل پیش بینی بودن را افزایش می‌دهند، عموماً به عنوان حامی رشد شناخته شده‌اند. بنابراین، از دو شاخص به عنوان کیفیت نهادی استفاده خواهد شد. این دو شاخص عبارتند از: ۱- شاخص قانون و مقرراتی که کیفیت اجرای قرارداد را نشان می‌دهد و ۲- شاخص کیفیت مقررات که توانایی دولت را در تدوین و اعمال سیاست‌های صحیح به وسیله قوانین اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص‌ها به اندازه کافی منعکس‌کننده کیفیت نهادی در یک کشور و اثرات آن در توسعه مالی هستند.

### ۳. مطالعات تجربی

ادبیات نظری و تجربی برای بررسی ارتباط بین بانکداری اسلامی رشد اقتصادی در مقایسه با

<sup>۱</sup> Crowding-Out Effect

بررسی ارتباط بین توسعه مالی و رشد اقتصادی بسیار محدود است. در واقع، بیشتر مطالعات بر بررسی تاثیر کلی فعالیت در سیستم بانکداری بر رشد اقتصادی متمرکز است. با این حال، تعداد کمی از مطالعات سهم مستقیم بانک‌های اسلامی در افزایش رشد اقتصادی را بررسی می‌کنند. بانکداری اسلامی نه فقط در کشورهای با جمعیت اکثریت مسلمان بلکه در کشورهای با درآمد پایین و متوسط مزایای بسیاری دارد و ممکن است توضیح دهد که چرا بانکداری اسلامی می‌تواند در برخی نمونه‌ها رشد را بهتر از بانکداری متعارف تحریک کند.

لدهم و مکیدیچ<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) ارتباط بین مالیه اسلامی و رشد اقتصادی تحت چارچوب نظری جدید مدل رشد درون‌زا در ترکیه را با استفاده از یک رویکرد ناپارامتریک برای دوره زمانی ۲۰۱۳Q4 تا ۲۰۱۹Q4 ارزیابی کردند. نتایج نشان داد که تامین مالی اسلامی باعث رشد اقتصادی ترکیه شده است که منعکس‌کننده موفقیت برنامه اقتصادی جدید ترکیه بوده است. هدف این برنامه، تقویت رشد اقتصادی از طریق افزایش سهم مالیه اسلامی در بخش بانکداری ترکیه است.

مجید و زینب<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) عملکرد مالی بانک‌های اسلامی و بانک‌های متعارف پاکستان را در دوره زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۸ تجزیه و تحلیل کردند. نتایج نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های متعارف دارای ریسک کمتر و نقدینگی بالاتر هستند و در مقابل، سود بانک‌های اسلامی کمتر از سود بانک‌های متعارف است.

لدهم و مکیدیچ<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) ارتباط بین عملکرد مالیه اسلامی و رشد اقتصادی در کشورهای مالزی، اندونزی، برونئی، ترکیه و عربستان سعودی در چارچوب مدل رشد درون‌زا را با استفاده از مدل گشتاورهای تعمیم یافته و داده‌های فصلی ۲۰۱۴:۱ تا ۲۰۱۸:۴ بررسی کردند. نتایج نشان داد که تنها عامل مهم عملکرد مالیه اسلامی که بر رشد اقتصادی درون‌زا تاثیر می‌گذارد، سودآوری از طریق بازده حقوق صاحبان (ROE) است. همچنین، تحریک سایر عوامل عملکرد مالیه اسلامی برای افزایش رشد اقتصادی ضروری است.

بوخاتم و بن موسی (۲۰۱۷) در مطالعه خود با استفاده از داده‌های مربوط به ۱۳ کشور منطقه منا برای دوره‌ی زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۰ به بررسی اثرات بانکداری اسلامی بر روی رشد اقتصادی

<sup>1</sup> Ledhem & Mekidiche

<sup>2</sup> Majeed & Zainab

<sup>3</sup> Ledhem & Mekidiche

پرداختند. آن‌ها دریافتند که بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی منطقه منا در دوره‌ی مورد بررسی دارای اثر مثبت و معنادار می‌باشد.

المهدی<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) به تبع روش‌شناسی منکیو و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) و دیمتریادس و لا<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) و بر اساس مدل سولو-سوان<sup>۴</sup> اثر توسعه مالی اسلامی بر رشد اقتصادی را برای گروهی از ۱۵ کشور منطقه منا و جنوب شرقی آسیا در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار داد. نتایج تجربی وی نشان داد که توسعه بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی از نظر GDP و نرخ رشد سرانه دارای اثر مثبت بوده است. با این وجود، نتایج به دست آمده از طریق روش چند جمله‌ای و نیمه پارامتری نشان دهنده‌ی رابطه غیر خطی بین توسعه مالی اسلامی و رشد اقتصادی است.

تابش و دانکر (۲۰۱۴) رابطه بین مالی اسلامی و رشد اقتصادی را برای قطر در دوره ۱۹۹۰ و ۲۰۰۸ ارزیابی کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که در بلندمدت توسعه مالی اسلامی با رشد اقتصادی رابطه مثبت دارد ولی در کوتاه‌مدت آزمون‌های علیت گرنجر<sup>۵</sup> وجود یک رابطه دو طرفه بین مالی اسلامی و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد.

گودرزی فراهانی و دستان<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) رابطه بین توسعه مالی اسلامی و رشد اقتصادی را در نمونه‌ای از ۹ کشور (بحرین، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت، قطر، یمن، مالزی، اندونزی و مصر) برای دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که در بلندمدت توسعه مالی اسلامی بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.

فرهنگ و همکاران (۱۴۰۱) تاثیر سپرده‌های قرض الحسنه بر حجم نقدینگی و تورم در ایران را برای سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۷۰ و با بکارگیری مدل ARDL مورد بررسی قرار دادند. بر اساس آمار، سهم سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز در مجموع کل سپرده‌ها از ۴/۱۸٪ در سال ۱۳۷۰ به ۹/۳۳٪ در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. نتایج نشان داد که سپرده‌های قرض الحسنه در هر دو مدل مورد بررسی، هم در کوتاه‌مدت و هم بلندمدت، تاثیر منفی و معنی‌داری بر حجم نقدینگی و تورم داشته است.

<sup>1</sup> El- Mehdi

<sup>2</sup> Mankiw et al.

<sup>3</sup> Demetriades and Law

<sup>4</sup> Solow-Swan

<sup>5</sup> Granger Causality Test

<sup>6</sup> Farahani and Dastan

امیری و همکاران (۱۴۰۰) رابطه بین تامین مالی و رشد اقتصادی را با تاکید بر بانک و بازار سرمایه در کشورهای اسلامی طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۶ و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که بازار سرمایه و بانک تاثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد و بازار بیمه تاثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی ندارد. این نشان می‌دهد که بازارهای سرمایه و بانک نقش مهمی در حمایت از رشد اقتصادی دارند و با وجود اندازه کوچک بازارهای مالی در مقایسه با اقتصاد، بازارهای فوق تاثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند.

عسکرزاده دره و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) و رشد اقتصادی، با استفاده از روش تصحیح خطای مدل ARDL و داده‌های فصلی از ابتدای سال ۲۰۱۰ تا فصل آخر سال ۲۰۱۸ پرداختند. نتایج نشان داد که در سال‌های مورد مطالعه، صکوک بر رشد اقتصادی ایران تاثیر مثبت و معنی‌داری داشته است.

عزتی و کاظمی (۱۳۹۳) اثر اندازه بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی را برای بازه زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ با استفاده از داده‌های پانل برآورد کردند. یافته‌های این بررسی نشان داده است که افزایش اندازه و سهم بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی اثر مثبت داشته است.

#### ۴. روش تحقیق و یافته‌ها

##### ۴-۱. معرفی متغیرهای تحقیق

بر اساس مطالعه بوخاتم و بن‌موسی (۲۰۱۷)، مدل پژوهش به شرح زیر است:

$$LGDP_{it} = a_1 + b_1 BA_{it} + c_1 IBA_{it} + d_1 LINF_{it} + e_1 GE_{it} + f_1 OT_{it} + g_1 IQ_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در این مدل،  $LGDP_{it}$  برابر لگاریتم متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه (به عنوان شاخص رشد اقتصادی)،  $GE_{it}$  نشان‌دهنده نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی (به عنوان شاخص اندازه دولت)،  $OT_{it}$  برابر نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی (به عنوان شاخص درجه باز بودن اقتصاد)،  $LINF_{it}$  بیانگر لگاریتم نرخ تورم،  $IBA_{it}$  برابر فعالیت بانکداری اسلامی و  $BA_{it}$  برابر فعالیت بانکداری (به عنوان شاخص‌های مالی) و  $IQ_{it}$  نشان‌دهنده کیفیت نهادی هستند. از این متغیرها برای بررسی تاثیر بانک‌های اسلامی بر رشد

اقتصادی کشورهای اسلامی منتخب (بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، اردن، کویت، لبنان، مالزی، نیجر، نیجریه، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سنگال، سودان، تونس، ترکیه، امارات، فلسطین) در طی بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ استفاده شده است. در ادامه پس از تخمین مدل خودرگرسیون برداری پانل (PVAR)<sup>۱</sup>، نتایج آنالیز واکنش آنی متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه در نتیجه شوک در متغیرهای مدل با استفاده از نرم‌افزار ایویوز ارائه شده است.

#### ۴-۲. آزمون ریشه واحد

برای بررسی مانایی متغیرها، از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو استفاده شده است. از این آزمون زمانی که تعداد پانل‌ها بیشتر از تعداد دوره‌های زمانی باشد، استفاده می‌شود.

جدول (۱): آزمون ریشه واحد

متغیرها	مقدار آماره	T	p-value
فعالیت بانکداری	-۲/۲۹۸۹۲	-۵/۴۳۶	۰/۰۱۰۸
اندازه دولت	-۵/۸۴۹۰۳	-۸/۳۴۸	۰/۰۰۰۰
تولید ناخالص داخلی سرانه	-۲/۱۰۰۵۸	-۲/۹۹۶	۰/۰۱۷۸
تورم	-۵/۶۶۳۸۵	-۹/۵۴۲	۰/۰۰۰۰
باز بودن تجاری	-۴/۸۹۳۱۳	-۸/۱۷۵	۰/۰۰۰۰
فعالیت بانکداری اسلامی	-۱/۷۱۵۰۹	-۷/۹۳۰	۰/۰۴۳۲
کیفیت نهادی	-۱۳/۴۷۸۰	-۱۵/۲۸۹	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج بالا مربوط به مانایی متغیرها می‌باشد. در سطح معناداری ۵٪ متغیرهای فعالیت بانکداری، مخارج مصرفی دولتی، باز بودن اقتصاد، تورم و کیفیت نهادی مانا بوده و متغیر فعالیت بانکداری اسلامی با یکبار تفاضل‌گیری مانا شده است.

<sup>1</sup> Panel Vector Auto-regression

### ۳-۴. ضرایب تخمینی مدل PVAR

نتایج تخمین مدل بر اساس روش خودرگرسیون برداری داده‌های تابلویی براساس داده‌های سالانه ۲۰ کشور طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ برای ۶ معادله به صورت جدول (۲) می‌باشد:

جدول (۲): ضرایب برآوردی وقفه متغیرهای مدل در معادلات مختلف

فعالیت سیستم بانکداری				
محدوده بالا	محدوده پایین	انحراف معیار	میان	
۱/۰۷۸	۰/۹۱۳	۰/۰۴۲	۰/۹۹۵	فعالیت سیستم بانکداری (۱-)
۰/۰۵۹	-۰/۱۰۲	۰/۰۴۱	-۰/۰۲۱	فعالیت سیستم بانکداری (۲-)
۰/۵۵۹	-۰/۰۳۸	۰/۱۵۲	۰/۲۶	اندازه دولت (۱-)
۰/۱۱۵	-۰/۴۵۳	۰/۱۴۵	-۰/۱۶۹	اندازه دولت (۲-)
۰	-۰/۰۰۱	۰	۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (۱-)
۰/۰۰۱	۰	۰	۰/۰۰۱	تولید ناخالص داخلی سرانه (۲-)
۰/۰۹۴	-۰/۱۷۳	۰/۰۶۸	-۰/۰۰۴	تورم (۱-)
۰/۱۰۹	-۰/۰۷۶	۰/۰۴۷	۰/۰۱۷	تورم (۲-)
۰/۰۷	-۰/۰۸۶	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۸	باز بودن تجاری (۱-)
۰/۱۰۴	-۰/۰۴۶	۰/۰۳۸	۰/۰۲۹	باز بودن تجاری (۲-)
۲۹۲/۳۶	-۹۶/۷۱	۹۹/۰۸۶	۹۷/۸۲۳	فعالیت بانکداری اسلامی (۱-)
۱۲۸/۹۵	-۲۴۷/۶۵۹	۹۵/۹۱۴	-۵۹/۳۵۲	فعالیت بانکداری اسلامی (۲-)
۳/۶۱	-۶/۹۹۹	۲/۷۰۲	-۱/۶۹۴	کیفیت نهادی (۱-)
۶/۱۵۲	-۳/۲۸۴	۲/۴۰۳	۱/۴۳۴	کیفیت نهادی (۲-)
۴/۲۷۱	-۵/۵۳۷	۲/۴۹۸	-۰/۶۳۳	جمله ثابت
اندازه دولت				
۰/۰۱۴	-۰/۰۳۲	۰/۰۱۲	-۰/۰۰۹	فعالیت سیستم بانکداری (۱-)
۰/۰۱۸	-۰/۰۲۷	۰/۰۱۱	-۰/۰۰۴	فعالیت سیستم بانکداری (۲-)
۱/۰۶۶	۰/۹۰۱	۰/۰۴۲	۰/۹۸۳	اندازه دولت (۱-)
۰/۰۷	-۰/۰۸۷	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۸	اندازه دولت (۲-)
۰	۰	۰	۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (۱-)
۰	۰	۰	۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (۲-)

۰/۰۱۳	-۰/۰۶۱	۰/۰۱۹	-۰/۰۲۴	تورم (-۱)
۰/۰۳۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۳	۰/۰۰۶	تورم (-۲)
۰/۰۴۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۱	۰/۰۱۹	باز بودن تجاری (-۱)
۰/۰۱۳	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۰۷	باز بودن تجاری (-۲)
۶۷/۹۰۷	-۳۹/۵۰۴	۲۷/۳۵۵	۱۴/۲۰۱	فعالیت بانکداری اسلامی (-۱)
۵۷/۱۵	-۴۶/۸۲۳	۲۶/۴۸	۵/۱۶۳	فعالیت بانکداری اسلامی (-۲)
۰/۵۵۱	-۲/۳۷۸	۰/۷۴۶	-۰/۹۱۴	کیفیت نهادی (-۱)
۲/۰۸۳	-۰/۵۲۲	۰/۶۶۳	۰/۷۸۱	کیفیت نهادی (-۲)
۱/۴۰۱	-۱/۳۰۷	۰/۶۹	۰/۰۴۷	جمله ثابت
تولید ناخالص داخلی سرانه				
۷/۰۵۳	-۸/۳۳۷	۳/۹۲	-۰/۶۴۲	فعالیت سیستم بانکداری (-۱)
۴/۱۷۹	-۱۰/۹۲۳	۳/۸۴۶	-۳/۳۷۲	فعالیت سیستم بانکداری (-۲)
۱۰/۱۱	-۴۵/۶۶۲	۱۴/۲۰۴	-۱۷/۷۷۶	اندازه دولت (-۱)
۱۳/۳۷۴	-۳۹/۷۴۶	۱۳/۵۲۸	-۱۳/۱۸۶	اندازه دولت (-۲)
۱/۰۹۹	۰/۹۵۱	۰/۰۳۸	۱/۰۲۵	تولید ناخالص داخلی سرانه (-۱)
۰/۰۲۵	-۰/۱۲۱	۰/۰۳۷	-۰/۰۴۸	تولید ناخالص داخلی سرانه (-۲)
۲۰/۶۱۲	-۴/۲۶۸	۶/۳۳۶	۸/۱۷۲	تورم (-۱)
۱۰/۵۴۲	-۶/۷۷۱	۴/۴۰۹	۱/۸۸۵	تورم (-۲)
۱۱/۸۵۹	-۲/۶۶۱	۳/۶۹۸	۴/۵۹۹	باز بودن تجاری (-۱)
۷/۱۴۲	-۶/۸۱۴	۳/۵۵۴	۰/۱۶۴	باز بودن تجاری (-۲)
۲۶۲۶۴	-۱۰۰۸۹/۷۷	۹۲۵۸/۳۸۷	۸۰۸۷/۰۳۱	فعالیت بانکداری اسلامی (-۱)
۱۱۴۲۶	-۲۳۷۶۴/۱۱	۸۹۶۲/۰۵۳	-۶۱۶۹/۰۹۴	فعالیت بانکداری اسلامی (-۲)
۹۷۶/۹۸	-۱۴/۲۹۵	۲۵۲/۴۵۳	۴۸۱/۳۴۱	کیفیت نهادی (-۱)
۴۱۴/۷۱	-۴۶۶/۹۶۷	۲۲۴/۵۴۱	-۲۶/۱۲۹	کیفیت نهادی (-۲)
۱۰۲۰/۸	۱۰۴/۳۴۷	۲۳۳/۳۹۷	۵۶۲/۵۷۱	جمله ثابت
تورم				
۰/۰۹۹	-۰/۰۴۷	۰/۰۳۷	۰/۰۲۶	فعالیت سیستم بانکداری (-۱)
۰/۰۵۶	-۰/۰۸۸	۰/۰۳۷	-۰/۰۱۶	فعالیت سیستم بانکداری (-۲)
۰/۲۰۵	-۰/۳۲۶	۰/۱۳۵	-۰/۰۶۱	اندازه دولت (-۱)

اثر بانک‌های اسلامی بر رشد تولید ناخالص داخلی: شواهدی از کشورهای اسلامی منتخب

۰/۲۵	-۰/۲۵۶	۰/۱۲۹	-۰/۰۰۳	اندازه دولت (۲-)
۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	۰	۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (۱-)
۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	۰	۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (۲-)
۰/۹۳	۰/۶۹۳	۰/۰۶	۰/۸۱۲	تورم (۱-)
۰/۰۵۷	-۰/۱۰۷	۰/۰۴۲	-۰/۰۲۵	تورم (۲-)
۰/۰۶۷	-۰/۰۷۲	۰/۰۳۵	-۰/۰۰۳	باز بودن تجاری (۱-)
۰/۰۶۱	-۰/۰۷۱	۰/۰۳۴	-۰/۰۰۵	باز بودن تجاری (۲-)
۲۳۰/۶۵	-۱۱۵/۶۷۹	۸۸/۲۰۲	۵۷/۴۸۶	فعالیت بانکداری اسلامی (۱-)
۷۱/۱۸۹	-۲۶۴/۰۵۶	۸۵/۳۷۹	-۹۶/۴۳۴	فعالیت بانکداری اسلامی (۲-)
۳/۲۹۳	-۶/۱۵۱	۲/۴۰۵	-۱/۴۲۹	کیفیت نهادی (۱-)
۳/۲۶۴	-۵/۱۳۵	۲/۱۳۹	-۰/۹۳۶	کیفیت نهادی (۲-)
۶/۰۳۱	-۲/۷	۲/۲۲۴	۱/۶۶۶	جمله ثابت
باز بودن تجاری				
۰/۰۶۸	-۰/۱۰۹	۰/۰۴۵	-۰/۰۲	فعالیت سیستم بانکداری (۱-)
۰/۱۰۹	-۰/۰۶۴	۰/۰۴۴	۰/۰۲۳	فعالیت سیستم بانکداری (۲-)
۰/۱۴۱	-۰/۴۹۹	۰/۱۶۳	-۰/۱۷۹	اندازه دولت (۱-)
۰/۴۵	-۰/۱۵۹	۰/۱۵۵	۰/۱۴۵	اندازه دولت (۲-)
۰/۰۰۱	۰	۰	۰/۰۰۱	تولید ناخالص داخلی سرانه (۱-)
۰	-۰/۰۰۱	۰	-۰/۰۰۱	تولید ناخالص داخلی سرانه (۲-)
۰/۱۴۱	-۰/۱۴۴	۰/۰۷۳	-۰/۰۰۱	تورم (۱-)
۰/۰۷۷	-۰/۱۲۲	۰/۰۵۱	-۰/۰۲۲	تورم (۲-)
۱/۰۴۷	۰/۸۸۱	۰/۰۴۲	۰/۹۶۴	باز بودن تجاری (۱-)
۰/۰۷۸	-۰/۰۸۲	۰/۰۴۱	-۰/۰۰۲	باز بودن تجاری (۲-)
۲۸۰/۲۱	-۱۳۶/۷۲۸	۱۰۶/۱۸۳	۷۱/۷۴	فعالیت بانکداری اسلامی (۱-)
۲۰/۷۱	-۲۰/۱۸۸۳	۱۰۲/۷۸۵	-۰/۰۸۸	فعالیت بانکداری اسلامی (۲-)
۹/۱۲۵	-۲/۲۴۳	۲/۸۹۵	۳/۴۴۱	کیفیت نهادی (۱-)
۳/۳۷۶	-۶/۷۳۶	۲/۵۷۵	-۱/۶۸	کیفیت نهادی (۲-)
۶/۵۸۵	-۳/۹۲۵	۲/۶۷۷	۱/۳۳	جمله ثابت
فعالیت بانکداری اسلامی				



۰	۰	۰	۰	فعالیت سیستم بانکداری (۱-)
۰	۰	۰	۰	فعالیت سیستم بانکداری (۲-)
۰	۰	۰	۰	اندازه دولت (۱-)
۰	۰	۰	۰	اندازه دولت (۲-)
۰	۰	۰	۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (۱-)
۰	۰	۰	۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (۲-)
۰	۰	۰	۰	تورم (۱-)
۰	۰	۰	۰	تورم (۲-)
۰	۰	۰	۰	باز بودن تجاری (۱-)
۰	۰	۰	۰	باز بودن تجاری (۲-)
۱/۰۳۶	۰/۸۷	۰/۰۴۲	۰/۹۵۳	فعالیت بانکداری اسلامی (۱-)
۰/۱۷۸	۰/۰۱۷	۰/۰۴۱	۰/۰۹۸	فعالیت بانکداری اسلامی (۲-)
۰/۰۰۲	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	کیفیت نهادی (۱-)
۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰	کیفیت نهادی (۲-)
۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	جمله ثابت
کیفیت نهادی				
۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰	فعالیت سیستم بانکداری (۱-)
۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	فعالیت سیستم بانکداری (۲-)
۰/۰۰۵	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰	اندازه دولت (۱-)
۰/۰۰۳	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲	اندازه دولت (۲-)
۰	۰	۰	۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (۱-)
۰	۰	۰	۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (۲-)
۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	تورم (۱-)
۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰	تورم (۲-)
۰/۰۰۳	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	باز بودن تجاری (۱-)
۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰	باز بودن تجاری (۲-)
۳/۳۸۹	-۲/۸۱۷	۱/۵۸	۰/۲۸۶	فعالیت بانکداری اسلامی (۱-)
۳/۵۰۲	-۲/۵۰۵	۱/۵۳	۰/۴۹۸	فعالیت بانکداری اسلامی (۲-)
۱/۰۰۵	۰/۸۳۶	۰/۰۴۳	۰/۹۲	کیفیت نهادی (۱-)

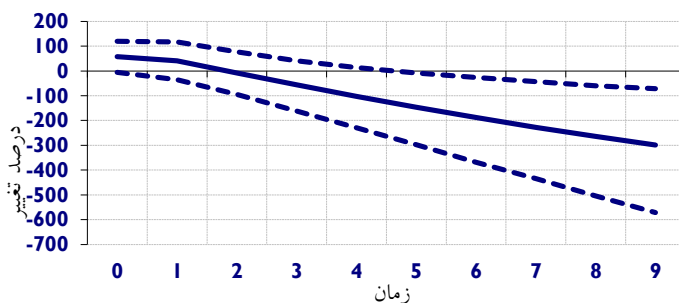
کیفیت نهادی (۲-)	۰/۰۲۴	۰/۰۳۸	-۰/۰۵۱	۰/۱
جمله ثابت	-۰/۰۴۶	۰/۰۴	-۰/۱۲۴	۰/۰۳۲

منبع: یافته‌های تحقیق

#### ۴-۴. توابع عکس‌العمل $PVAR$

برای بررسی تغییرات یک متغیر در راستای پاسخ به تحریک متغیر دیگر از تفسیر نتایج مربوط به توابع عکس‌العمل آنی استفاده شده است. یک واکنش ضربه‌ای (عکس‌العمل آنی) نتایج حاصل از تأثیر وارد شدن تکانه به یک متغیر در متغیر درونزا را نشان می‌دهد.

شکل (۱): آنالیز واکنش آنی متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به شوک متغیر فعالیت سیستم بانکداری

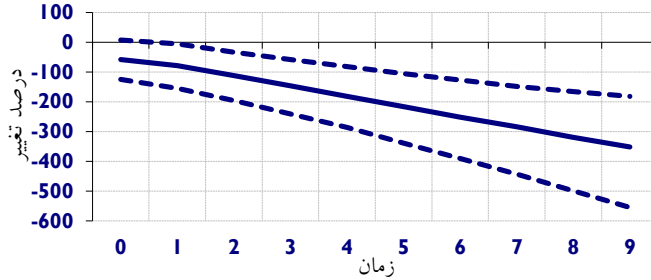


منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس شکل (۱) شوک متغیر فعالیت سیستم بانکداری بر روی تولید ناخالص داخلی سرانه در دو دوره اول مثبت است و از دوره دوم به بعد به منفی تغییر می‌کند، اما بررسی محدوده بالا و پایینی معنی‌داری تابع واکنش آنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بیانگر این است که تنها از دوره چهارم به بعد تفاوت معنی‌داری با صفر دارد.

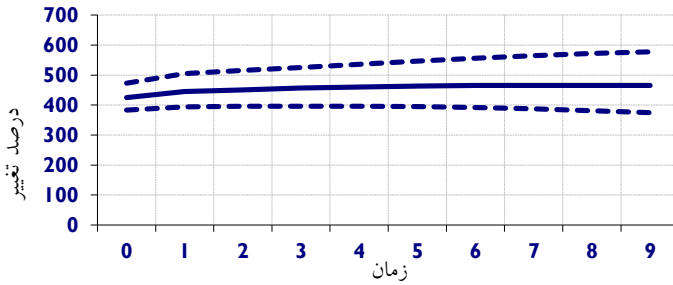
بر اساس شکل (۲)، شوک متغیر اندازه دولت بر تولید ناخالص داخلی سرانه تاثیر منفی دارد و در طی زمان، میرا نبوده و از بین نمی‌رود. بررسی محدوده بالا و پایین معنی‌داری تابع واکنش آنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بیانگر این است که از دوره‌ی اول به بعد تفاوت معنی‌داری با صفر دارد.

شکل (۲): آنالیز واکنش آنی متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به شوک متغیر اندازه دولت



منبع: یافته‌های تحقیق

شکل (۳): آنالیز واکنش آنی متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به شوک متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه

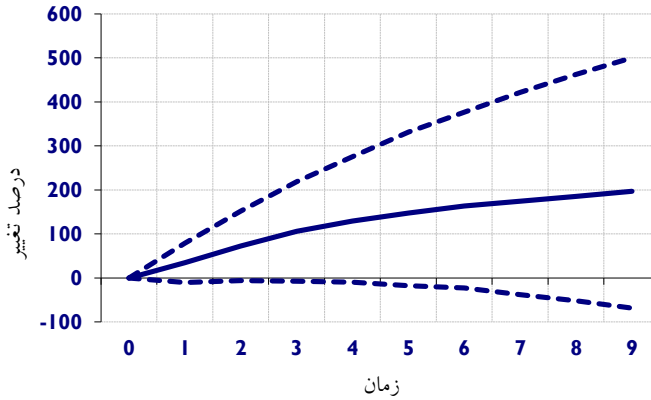


منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس شکل (۳)، شوک متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه بر خود تاثیر مثبت دارد. بررسی تابع واکنش آنی نشان می‌دهد که شوک میرا نبوده و در طول دوره مورد بررسی از بین نمی‌رود. بررسی محدوده بالا و پایین معنی‌داری تابع واکنش آنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که در تمامی دوره‌ها با صفر تفاوت معنی‌داری دارد.

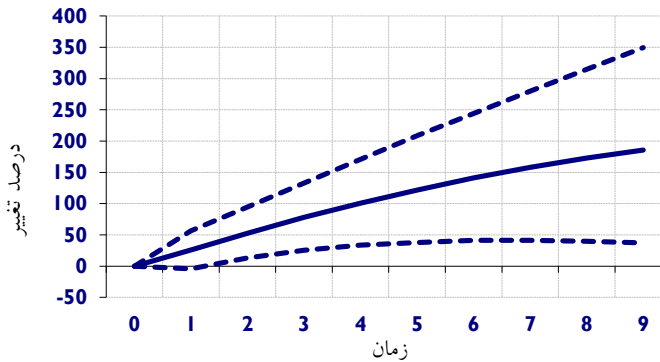
بر اساس شکل (۴)، تاثیر شوک متغیر تورم بر تولید ناخالص داخلی سرانه در تمامی دوره‌ها مثبت می‌باشد. بررسی محدوده بالا و پایینی معنی‌داری تابع واکنش آنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بیانگر این است که تا دوره پنجم تفاوت معنی‌داری با صفر دارد.

شکل (۴): آنالیز واکنش آنی متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به شوک متغیر تورم



منبع: یافته‌های تحقیق

شکل (۵): آنالیز واکنش آنی متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به شوک متغیر باز بودن تجاری

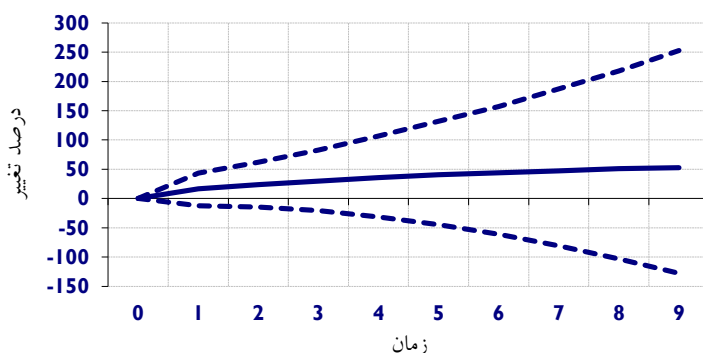


منبع: یافته‌های تحقیق

شکل (۵)، شوک متغیر باز بودن اقتصاد بر تولید ناخالص داخلی سرانه مثبت می‌باشد. بررسی محدوده بالا و پایینی معنی‌داری تابع واکنش آنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد از دوره دوم به بعد تفاوت معنی‌داری با صفر دارد. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که شوک میرا نبوده و در طول زمان مورد بررسی از بین نخواهد رفت.

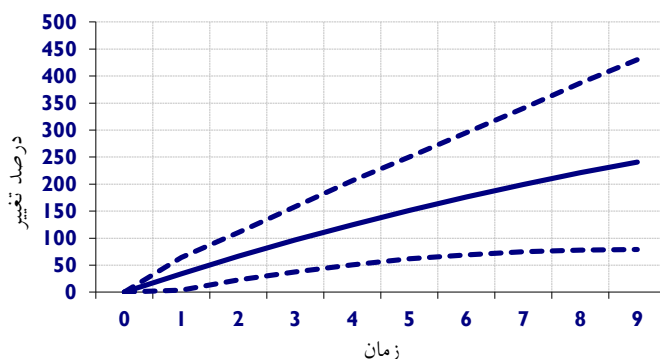
در شکل (۶)، اثر شوک متغیر فعالیت بانکداری اسلامی بر روی تولید ناخالص داخلی سرانه بررسی شده است، نتایج بیانگر اثرات مثبت شوک‌های فوق در تمام دوره هاست، اما بررسی محدوده بالا و پایینی معنی داری تابع واکنش آنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بیانگر این است که اثرات فوق تنها تا دوره دوم اثرگذاری معنی دار است و از دوره دوم تفاوت معنی داری با صفر ندارد.

شکل (۶): آنالیز واکنش آنی متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به شوک متغیر فعالیت بانکداری اسلامی



منبع: یافته‌های تحقیق

شکل (۷): آنالیز واکنش آنی متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به شوک متغیر کیفیت نهادی



منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس شکل (۷)، تاثیر شوک متغیر کیفیت نهادی بر تولید ناخالص داخلی سرانه، در تمامی دوره‌ها مثبت می‌باشد. بررسی محدوده بالا و پایینی معنی‌داری تابع واکنش آنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که با صفر تفاوت معنی‌داری ندارد و شوک نیز در طی زمان از بین نخواهد رفت.

## ۵. نتیجه‌گیری

پس از وقوع بحران مالی جهانی در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۷ اهمیت مالی اسلامی در افزایش رشد اقتصادی به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفت. با این وجود، در مورد رابطه بین مالی اسلامی و رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی منتخب ادبیات بسیار کمی وجود دارد. هدف اصلی این تحقیق، بررسی روابط بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی با استفاده از مدل PVAR برای کشورهای اسلامی منتخب برای سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷ می‌باشد.

بر اساس نتایج تحقیق فعالیت سیستم بانکداری اسلامی (که توسط وام‌های تمدید یافته از سوی بانک‌های اسلامی سنجیده می‌شود) اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی منتخب دارد. در نتیجه، می‌توان گفت که تامین مالی از طریق وام‌های بانکی، هزینه‌های بازاریابی اطلاعات، هزینه‌های معاملات و هزینه تامین مالی کاهش داده و میزان کارایی افزایش می‌دهد. از این رو، وام‌های بانکی می‌تواند سرمایه‌گذاری را تحریک کرده و بنابراین، بیکاری را کاهش و نیز پس‌انداز و درآمد خانوارها را افزایش دهد. این نشان می‌دهد که سیستم بانکداری اسلامی به برآورده کردن الزامات و نیازهای خاص خانوارها و شرکت‌هایی که نیازهای آن‌ها به طور دیگری برآورده نمی‌شود، کمک می‌کند و منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود. در واقع، این نتیجه نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی، تامین مالی سنتی را از بین نمی‌برد بلکه آن را تکمیل می‌کند. این نتایج، یافته‌های امام و کاپودار (۲۰۱۶) و بوخاتم و بن موسی (۲۰۱۷) را تایید می‌کند.

هنگامی که صحبت از تاثیر کیفیت نهادها بر رابطه بین مالی اسلامی و رشد اقتصادی می‌شود، نتایج حاکی از وجود یک اثر منفی بر این تعامل است و این نشان می‌دهد که اگر چه توسعه مالی اسلامی اثر مثبتی بر اقتصاد دارد اما یک چارچوب نهادی توسعه نیافته این اثر مثبت را کاهش خواهد داد. در نتیجه، کشورهایی که به دنبال افزایش رشد اقتصادی از طریق توسعه بانکداری اسلامی هستند، باید قانون و مقررات و زیرساخت‌های حمایتی کافی را به کار گیرند. نتایج این

تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت نظارتی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی دارد. بنابراین، یک کشور با سیاست‌های کلان اقتصادی و نهادی سالم (مخارج دولتی محتاطانه، چهارچوب‌های نظارتی خوب، کیفیت نهادی بالا) تمایل بیشتری به تجربه رشد GDP بالاتر دارند. این نتیجه با نتایج به دست آمده در مطالعه بوخاتم و بن‌موسی (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

طبق نتایج، منفی بودن اثر فعالیت بانکداری بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه احتمالاً به این علت است که در این کشورها اقتصاد بیشتر به جای اینکه تولید محور باشد، بانک محور است. بنابراین، فعالیت بانکداری می‌تواند مشوق فعالیت‌های غیرتولیدی و واسطه‌گری و دلالی بوده و منجر به بازتوزیع درآمد موجود بدون افزایش درآمد شده و در نتیجه، رشد و رفاه را کاهش دهد.

با توجه به نتایج، باز بودن تجاری تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. اقتصادهایی که بازتر هستند ممکن است رشد بهره‌وری بسیار بالاتری را تجربه کنند زیرا برای تخصیص کارای منابع از طریق بدست آوردن مزیت نسبی، اتخاذ تکنولوژی‌های پیشرفته، بهره‌مندی از صرفه‌جویی‌های مقیاس در تولید و تشویق رقابت در سطح ملی و بین‌المللی از ظرفیت بالاتری برخوردار هستند. به طور کلی، باز بودن تجاری منجر به توسعه صادرات، گسترش فرصت‌های شغلی و همچنین، به کارایی بیشتر عوامل تولید در سطح بین‌المللی می‌انجامد. بنابراین، برخلاف ادبیات نظری و تجربی اخیر که ادعا می‌کند آزادسازی مالی بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد، یافته‌های این تحقیق با نظریات مک‌کینون (۱۹۷۳) و شاو (۱۹۷۳) که ادعا می‌کنند آزادسازی تجاری تنها وسیله موثر تأمین توسعه اقتصادی است، تطابق دارد.

مسئله رابطه‌ی بین تورم و رشد اقتصادی در نظریات مختلف، بحث برانگیز بوده است. به طور خلاصه، نظریات اقتصاد کلان برای بیان رابطه علی بین رشد اقتصادی و تورم توضیحات بسیار متفاوتی را ارائه می‌دهند. نظریات کلاسیک و نئوکلاسیک وجود رابطه بین تورم و رشد اقتصادی را در کوتاه‌مدت رد کرده ولی احتمال وجود یک رابطه منفی را در بلندمدت تأیید می‌کنند. به همین ترتیب، کینزین‌ها و نوکینزین‌ها نیز معتقدند که در کوتاه‌مدت، رشد اقتصادی و تورم پدیده‌هایی مستقل هستند اما در بلندمدت دارای همبستگی مثبت هستند. پول‌گرایان نیز معتقدند رشد و تورم در کوتاه‌مدت رابطه‌ی مثبت دارند اما در بلندمدت از هم مستقل هستند. نتایج تجربی این تحقیق

نشان می‌دهد که تورم تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد زیرا در اکثر کشورهای مورد مطالعه، تورم در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد و این مقادیر کم تورم موجب افزایش دستمزدها، تولید سودآور، تشویق به مصرف کردن، تهییج اقتصاد و شناور شدن سرمایه در اقتصادی رو به رشد و در نتیجه، افزایش رشد اقتصادی شده است.

بر اساس نتایج تحقیق، متغیر مخارج دولتی نیز بر رشد تأثیر منفی و معنی‌دار دارد. این موضوع این نظریه را تایید می‌کند که افزایش مخارج عمومی یک منبع سوء استفاده از قدرت است که بر کیفیت هزینه تأثیر منفی می‌گذارد و منجر به هدر رفتن منابع عمومی می‌شود. همچنین، اگر مقامات دولتی در منابع داخلی خود با کسری‌های بزرگ مواجه شوند، از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی جلوگیری می‌کنند. با این حال، باید توجه داشت که مخارج عمومی می‌تواند رشد را در یک محیط نهادی قوی و سالم با سرمایه انسانی ماهر تحریک کند. به طور کلی می‌توان گفت که عملکرد ناامیدکننده اقتصادی کشورهای اسلامی منتخب می‌تواند ناشی از افزایش حملات ترورستی، افزایش افراط‌گرایی و بی‌ثباتی سیاسی باشد.

## منابع

- امیری، حسین، رضایی میرفانده، محسن، نصرافهانی، محمد، و حیدری قره‌سو، راحله (۱۴۰۰). تامین مالی اسلامی و رشد اقتصادی با تاکید بر بانک و بازار سرمایه، شواهدی از کشورهای اسلامی. مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، (۱)۸، ۳۰۵-۳۲۴.
- فرهنگ، امیرعلی، اثنی‌عشری، ابوالقاسم، و محمدپور، علی (۱۴۰۱). تأثیر سپرده‌های قرض‌الحسنه بر حجم نقدینگی و تورم در ایران. اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۳۹)، ۳۵۵-۳۳۱.
- عزتی، مرتضی و کاظمی، افسانه (۱۳۹۳). تأثیر مالیه اسلامی بر رشد اقتصادی، مطالعه موردی کشورهای منتخب اسلامی. پژوهش‌های مالیه اسلامی، (۱)۲، ۷۳-۸۸.
- عسکرزاده دره، غلامرضا، معمارپور، زهره، و فلاحی، حامد (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) و رشد اقتصادی. مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، (۱۶)۷، ۱-۱۶.



- Arouri, M., Uddin, G. S., Nawaz, K., Shahbaz, M., & Teulon, F. (2014). Causal Linkages between Financial Development, Trade Openness and Economic Growth: Fresh Evidence from Innovative Accounting Approach in Case of Bangladesh. *Ipag Business School Working papers*, 2014-2037.
- Demetriades, P., & Law, S. H. (2006). Finance, institutions and economic development. *Finance and Economics*, 11(3), 245-260.
- Demirguc-Kunt, A., Klapper, L., & Randall, D. (2013). Islamic Finance and Financial Inclusion: Measuring Use of and Demand for Formal Financial Services among Muslim Adults. *World Bank Policy Research Paper*.
- Eggoh, J. C. (2010). Financial development, financial instability and economic growth: A reexamination of the relationship. *Region and Development*, 32, 9-32.
- Furqani, H., & Mulyani, R. (2009). Islamic banking and economic growth: Empirical evidence from Malaysia. *Economic Cooperation and Development*, 30 (2), 59-74.
- Gudarzi Farahani, Y., & Dastan, M. (2013). Analysis of Islamic banks' financing and economic growth: A panel cointegration approach. *Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 6(2), 156-172.
- Imam, P., & Kpodar, K. (2013). Islamic Banking: How has it Expanded? *Emerging Markets Finance and Trade*, 49, 112-137.
- Imam, P., & Kpodar, K. (2016). Islamic banking: good for growth? *Economic Modelling*, 59, 387-401.
- Ledhem, M.A., & Mekidiche, M. (2022). Islamic Finance and Economic Growth: The Turkish Experiment. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 14(1), 4-19.
- Ledhem, M.A., & Mekidiche, M. (2020). Economic Growth and Financial Performance of Islamic Banks: A CAMELS Approach. *Islamic Economic Studies*, 28(1), 47-62.
- Levine, R., & Zervos, S. (1998). Stock markets, banks, and economic growth. *American Economic Review*, 88, 537-558.
- Majeed, M.T., & Zainab, A. (2021). A Comparative Analysis of Financial Performance of Islamic Banks vis-à-vis Conventional Banks: Evidence from Pakistan. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 13(3), 331-346.
- Majid, S. A., & Kassim, S. (2010). Potential diversification benefits across global Islamic equity markets. *Economic Cooperation and Development*, 31(4), 103-126.
- Mankiw, G., Romer, D., & Weil, D. (1992). A Contribution to the Empirics of Economic Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 107, 407-437.
- Mckinnon, R. I. (1973). *Money and Capital in Economic Development*. The Brookings Institution: Washington.
- Shaw, E. S. (1973). *Financial Deepening in Economic Development*. Oxford University Press, New York.

- Tabash, M. I., & Dhankar, R. S. (2014). The flow of Islamic finance and economic growth: An empirical evidence of Middle East. *Finance and Accounting*, 2(1), 11-19.
- Wolf, M. (2014). *The shifts and the shocks: What we've learned – and have still to learn – from the financial crisis*. Penguin Press: London.